

25 سال تباهی و استبداد !

25 سال پیش مردم ایران سلطنت را به زیر کشیدند. چرا که می خواستند آزاد باشند و بر سرنوشت خود حاکم، اما آن حکومت استبدادی چنین مجالی به آنها نمی داد. حکومتی که از نخست وزیر و وزیران کابینه آن هم راه چاندانی به تصمیم گیری های اصلی سیاسی نداشتند، روشن است که با مردم چه می کرد. مردمی که مجبور بودند بار سنگین بحران اقتصادی سرمایه داری نوپای ایران در سالهای آخر حکومت پهلوی را هم به دوش کشند. بحرانی که در آن سالهای آخر در کنار فربه شدن بخشی از جمعیت، به وسیع ترین بخش مزد و حقوق بگیر جامعه فشار می آورد. جمعیت انبوه دهقانان خانه خراب را به حاشیه شهر ها به ویژه تهران کشانده و در جلبی آباد ها تلنبار کرده بود. و همین بخش های جمعیت، جنبش انقلابی آن سالها را آغاز کردند. حوادث مربوط به اعتراض و سرکوب ساکنان "خارج از محدوده" از یاد نرفتنی است. به همان سان که اعتصاب نفتگران که کمر دستگاه شاه را شکست فراموش نمی شود. اگر مردم ایران برای آزادی و اعمال حاکمیت خود و برای یک زندگی انسانی و فارغ از غم نان شب به پا خاستند و دستگاه شاهی را در هم شکستند، اما آنچه بدست آوردند، استبداد سیاه حکومت دینی و وحشیانه تر شدن بهره کشی سرمایه داری بود.

از همان آغاز به قدرت رسیدن، تمام تلاش "فقیهان" متوجه نجات بنیادهای نظام بهره کشانه حاکم بر جامعه شد. بیشترین انرژی آنها صرف مبارزه با کسانی می شد که بعد از سرنگونی شاه، سمت مبارزه را متوجه بنیادهای نظام غیر انسانی کرده بودند. از یاد نخواهد رفت که اولین کسی که در روزهای بعد از قیام، توسط عوامل حکومت فقها در خیابانهای تهران کشته شد یک کارگر مبارز بود.

فقهای حاکم، این همه را به شیوه معمول پیش نمی بردند. چرا که بعد از یک انقلاب توده ای چنین مجالی نداشتند. آنها از مذهب و دستگاه سازمان یافته مذهب استفاده می کردند تا هواداران خود را که اغلب از همان محروم ترین بخشهای جامعه بودند با شعار "مستضعف پناهی" و مبارزه باصطلاح ضد امپریالیستی بر سر مخالفان بریزند. تا دموکراتها و آزادیخواهان واقعی را و آنها که علیه نظام بهره کش سرمایه داری بودند، سرکوب کنند و از میدان برانند.

دوره سیاه زندگی مردم ایران در این 25 سال گذشته زمینه ای فراهم آورده تا "صاحب امتیازان سابق" بر طبل "دوران گذشته" به کوبند. آنها فقط بر نیروی "فراموشی" سرمایه گذاری کرده اند. فراموشی نکبت های گذشته، اگر فراموشی هر قدر هم سنگین باشد، باز جای این سوال باقی است که اگر قرار است یک حکومت دموکراتیک به وجود آید، چرا باید مردم هزینه سنگین یک دستگاه تشریفاتی بی خاصیت سلطنتی را متقبل شوند که اساساً دستگاهی مربوط به دوران ماقبل دموکراسی است. که نه پیش برنده دموکراسی بلکه نماد و ارگان مناسبات غیر دموکراتیک زندگی گذشته است. چرا باید چنین نهادی را از گور تاریخ بیرون کشید؟

علاوه بر این جماعت، مجال برای "تازه به دوران رسیده ها" هم پیدا شده که از بیم بهم خوردن اوضاع و بنیانهای و لاجرم منافع آنها، ریشه همه شرارتها را همان مبارزه پیگرد و قطعی و سازش نکردن با استبداد حاکم و راه نرفتن در چارچوب "قانون" اعلام کنند. با چشم بستن بر همه حقایق تاریخی در ایران و جهان مدعی شوند که همه مفاسد استبداد از انقلاب است و انقلاب جز خشونت و دور باطل نیست. براستی آنها نمی دانند و نمی بینند که دستگاه استبداد خود موجب انقلاب می شود نه آنکه کس و یا کسانی بتوانند با توطئه و نقشه انقلاب به راه اندازند؟ اگر به فرض درک مسائل مربوط به مناسبات قدرت تا این حد هم نازل باشد، حال که دستگاه ولایت حتی "خودی ها" را هم تحمل نکرد و بسته بودن هر گونه "راه قانونی" برای تحول را جار زد، این مدعیان "نوکیسه" کماکان به موعظه "اصلاحات" و مبارزه قانونی ادامه می دهند؟

این 25 سالی که فقها توانستند قدرت و حکومت سیاه خود را حفظ کنند، جز با سرکوب داخلی و جنگ خارجی، میسر نبوده است. اما با تغییر شرایط داخلی و بین المللی و تغییر نسل جمعیت کشور، دیگر امکان چنین اموری از بین رفته است. در شرایط تازه، فقها برای حفظ خود به خط تسلیم و فرمانبرداری از قدرت اصلی جهان یعنی دولت آمریکا رو آورده اند و تلاش می کنند تا شاید با رها شدن از فشار بین المللی، اوضاع کشور را کنترل کنند.

مردم ایران! شرایط جدید و متحول کنونی که شما در بوجود آوردن آن نقش اصلی داشته اید امکان گسترش مبارزه علیه استبداد حاکم و ساقط کردن آن را فراهم آورده. حکومت بر خلاف همه ادعاها، بسیار ترسان و بحرانی است و قادر به کنترل و سرکوب مبارزات در سطح وسیع و سراسری نیست. ما فکر می کنیم متحد شدن بخشهای مختلف جامعه در مبارزه علیه استبداد و برای آزادی کار گشا ست. بدون متعهد شدن به برنامه ای مشخص، می توان در مبارزه علیه استبداد همگام شد و به راه افتادن جنبش سرنگونی و برای آزادی کمک کرد. تا دولت از دین و هر ایدئولوژی جدا شود تا هر شهروند با حقوق برابر در همه امور صاحب رای باشد و در شرایط آزادی کامل اعمال حاکمیت کند.

مردم کارگر و مزد و حقوق بگیر! حکومت اسلامی تنها راه بقا خود را در فراهم کردن هر چه بیشتر شرایط بهره کشی از نیروی کار می داند. تا به زعم خود با ارائه دو مزیت، انرژی ارزان و کار ارزان، بهشتی برای سرمایه جهانی فراهم کند و در سایه آن، پشتیبانی قدرتهای بزرگ را برای ادامه حکومت کسب کند. اگر آنها روزهای پیروزی خود بعد از قیام بهمن را با کارگر کشی سر کردند، حالا جشن 25 امین سال حکومت خود را هم با کارگر کشی در شهر بایک آغاز کردند. برنامه این حکومت، زندگی همه مزد و حقوق بگیران را بیش از آن چه که هست وخیم تر خواهد کرد. اما حاکمان کنونی در پیش برد این برنامه تنها نیستند. بخش مهمی از اپوزیسیون این حکومت هم بدنبال همین استراتژی و خصوصی کردن کامل اقتصاد و عرضه کارگر ارزان و راه رفتن بنا بر نسخه قدرتهای بزرگ و سرمایه جهانی اند.

بخش خصوصی انگلی ایران، اقتصاد دانان و کارشناسان هوادار آنها فضای رسانه ها را پر کرده و مدام در این باره می گویند. اگر اینها اختلافی با حکومت اسلامی دارند بر سر ناتوان بودن حکومت برای عمیق تر و سریعتر راندن این برنامه است. برای آنها آزادی سیاسی و دموکراسی مسئله اصلی نیست. این شما هستند که در آزادی و دموکراسی می توانید در جهت گیریها دخالت کنید و جلو خانه خرابی خود را به گیرید! این شما که سرمایه ای ندارید، بیش از هر کسی به آزادی و دموکراسی نیاز دارید! اما علاوه بر پیشقدم در مبارزه علیه استبداد، به نظر ما از همین امروز می باید اردوی کار و همه آن جنبشها و نیروهایی که از ستم و تباہ گری برنامه نئولیبرالی رنج می برند گرد آیند و با همایش و مبارزه متحد خود وزنه سنگینی در جنبش سراسری مبارزه علیه استبداد به وجود آورند که مانع از پیش برنامه های خانه خراب کن سرمایه داری و یکه تازی نئولیبرالی آن شود.

سازمان ما که در سال 1358 با شعار "انقلاب مرد، زنده باد انقلاب" تاسیس شد و به میدان مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم درآمد، حالا بعد از نزدیک به یک ربع قرن، با امید و پایداری بیشتر برای زندگی انسانی و رهائی از بربریت تلاش می کند. و رهرو راه مبارزه برای "خود حکومتی" به جای حکومت اسلامی و هر حکومت دیگری بر فراز سر مردم است.

سرنگون باد حکومت اسلامی
زنده باد آزادی و سوسیالیسم

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

15 بهمن 82
4 فوریه 2004